

پیامد تغییرات اقلیمی بر حقوق بشر فردی و جمعی، با نگاهی به رویه

دولت‌ها و محاکم

(مقاله علمی - پژوهشی)

محمدحسین رضانی قوام آبادی*

سیده سارا میریان**

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۲۶

چکیده

تغییرات اقلیمی، به مثابه یکی از مهم‌ترین معضلات عصر حاضر، صدمات بسیاری را بر تحقق حق‌های بشری وارد می‌نماید. رابطه این دو مقوله، اگرچه در منابع اصلی و الزام‌آور حقوق بشری ذکر نشده است، با نگاهی عمیق‌تر به نتایجی که این معضل جهانی به بار می‌آورد، می‌توان دریافت که امروزه رابطه بسیار مهمی میان امکان تحقق حق‌های بشری و تغییرات آب‌وهوایی وجود دارد. این امر، هم حق‌های فردی و هم جمعی بشری را متأثر خواهد کرد، موانع زیادی در راه تحقق آنها ایجاد می‌کند و مسائلی را پیش می‌کشد که مواجهه با آنها نیازمند بررسی حق‌های بشری با نگاهی جدید است. در این حوزه، رویه دولت‌ها و محاکم بین‌المللی نیز قابل توجه و مهم است. با توجه به این نکات، مقاله حاضر، با بررسی اسناد و رویه‌های موجود و نیز با توجه به ابعاد گوناگون زیست انسانی، تأثیرات متعدد تغییرات اقلیمی بر تحقق حق‌های مختلف بشری را مورد بررسی دقیق قرار خواهد داد و تلاش خواهد داشت تا بحران‌های حقوق بشری متأثر از این امر را که در مباحث غالب حقوق بشری مغفول واقع شده‌اند، برجسته نماید تا بتوان به مسئله تحقق حقوق بشر در عصر حاضر، نگاهی واقع‌بینانه‌تر داشت.

کلید واژگان:

تغییرات اقلیمی، حقوق محیط زیست، پناهندگی اقلیمی، حقوق مردمان بومی.

* دانشیار، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی

H.Ramezani@sbu.ac.ir

** دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول)

S_mirian@sbu.ac.ir

مقدمه

امروزه، اثر گلخانه‌ای حاصل از اعمال انسان افزایش یافته است. در گزارش چهارم پنل تغییرات اقلیمی اظهار شد که اطمینان بسیار بالایی وجود دارد که اثر انسان بر افزایش گازهای گلخانه‌ای، از سال ۱۷۵۰، عامل اصلی تغییر اقلیم بوده است. میزان این گازها از سال ۱۷۵۰ به میزان قابل توجهی افزایش یافته و مقدار آن به مراتب فراتر از مقادیر قبل از دوره صنعتی شدن است.

تغییرات اقلیمی بر وضعیت میلیون‌ها انسان و جانور تأثیر گذاشته یا کیفیت زندگی و بقای آنها را با خطر جدی مواجه می‌کند. این امر ممکن است منجر به فجایعی از قبیل از بین رفتن حیات، اراضی، تنوع زیستی و بروز مشکلات برای سلامت شود و به همین ترتیب حقوق بشر را تحت تأثیر خود قرار دهد. با وجود این، اما تاکنون تغییرات اقلیمی و حقوق بشر، در اکثر موارد جدای از یکدیگر بررسی شده‌اند. در حالی که بررسی این دو مقوله در کنار یکدیگر، نه تنها امری ضروری است، بلکه اهمیتش به حدی است که می‌تواند در موازات سیاسی نیز تغییر جدی ایجاد کند. اهمیت این موضوع به حدی است که شورای حقوق بشر در نشست چهل و هشتم خود در سال ۲۰۲۱، در قطعنامه ۴۸/۱۴، موضوع حمایت از حقوق بشر در چارچوب تغییرات اقلیمی را مورد تأکید قرار داده است.^۱

با توجه به همین نکته، این مقاله در پی پاسخ به این سوال است که آیا می‌توان گفت تغییرات اقلیمی، برای حقوق بشر یک مقوله دیگر محسوب می‌شود؟ به بیان دیگر، آیا تغییرات اقلیمی، امری متباین از حقوق بشر و بی‌ارتباط به آن است، یا برعکس، نقطه مقابل حقوق بشر به حساب می‌آید؟ اهمیت این بحث زمانی بیشتر به چشم می‌آید که به این امر توجه کنیم که بسیاری از سیاستمداران به دنبال حقه این نگاه هستند که تغییرات اقلیمی، مسئله‌ای صرفاً محیط زیستی است که در بدترین حالت، حق بر محیط زیست سالم را متأثر می‌کند و ارتباطی به حق‌های دیگر بشری ندارد. این نوشتار اما، در پی اثبات این ایده است که از قضا بزرگ‌ترین دشمن حقوق بشر در عصر حاضر، با توجه به گستره تأثیر، همین تغییرات اقلیمی است. چرا که تقریباً نمی‌توان هیچ حق بشری را یافت که در نتیجه تغییرات اقلیمی مورد تعرض قرار نگیرد. بدین منظور، در این نوشتار حق‌های مختلف بشری را از دو بعد فردی و جمعی مورد بررسی قرار

1. <https://undocs.org/A/HRC/RES/48/14>

خواهیم داد. به این ترتیب که در ابتدا حق‌های فردی متأثر از تغییرات اقلیمی و سپس حق‌های جمعی متأثر از این بحران را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم.

پس از این بررسی مفهومی، به رویه موجود و موضع دولت‌ها و محاکم بین‌المللی در مورد رابطه میان تغییرات اقلیمی و حق‌های مختلف بشری خواهیم پرداخت تا روشن شود که در نگاه این نهادها، کدام حق‌ها ارتباط بیشتری با تغییرات اقلیمی داشته و در نتیجه، بیشتر مورد توجه قرار گرفته‌اند.

۱. حق‌های فردی متأثر از تغییرات اقلیمی در رویه دولت‌ها و محاکم بین‌المللی

در این قسمت، مواردی از حقوق بشر که جنبه فردی دارند و تغییرات اقلیمی موجب صدمات جبران ناپذیری در آنها می‌گردد، بحث می‌شوند. موارد مورد بررسی شامل حق حیات، حق بر آب، حق بر غذا و حق بر پناهندگی هستند. البته ذکر این نکته مهم است که فردی قلمداد نمودن این حق‌ها از این نظر است که سوژه برخوردار از آنها فرد است، نه جمع. وگرنه تردیدی نیست که خدشه‌دار شدن این حق‌ها در نتیجه تغییرات آب‌وهوایی، پیامدهایی در پی خواهد داشت که کلیت جامعه را متأثر خواهد نمود.

۱.۱. حق حیات

استیفای حق حیات و برقراری امکان بقای نسل‌های فعلی و تمهید حیات برای نسل‌های آتی قطعاً مستلزم آن است که محیط‌زیست کنونی و کلیه عرصه‌های آب، خاک، هوا، اکوسیستم (زیست‌بوم)، از وضع ناگوار ناشی از تغییرات اقلیمی رهایی یافته و حتی کیفیت آن بهبود یابد. آلودگی محیط‌زیست و تخریب آن به دلیل به هم زدن تعادل زیست‌بوم، حیات پایدار انسان‌ها را با خطر جدی روبرو می‌سازد و حتی ممکن است بقای انسان یعنی موجودیت نسل‌های متولد نشده را نیز با مانع روبرو کند. از این‌رو، مقابله با تأثیرات سوء تغییرات اقلیمی بر محیط‌زیست انسان، مقدمه‌ای برای استیفای کامل حق حیات است. این دو امر چنان لازم و ملزوم یکدیگرند که نقض اولی، به‌طور قهری به تمهید نقض حق حیات منجر می‌شود و می‌توان گفت که حیات هر انسانی بستگی به کیفیت محیط‌زیست او دارد و این موضوع هم شامل صرف حیات، و هم شامل

«کیفیت حیات» می‌شود.^۱ قطعنامه ۴۸/۱۴ شورای حقوق بشر نیز به رابطه میان تغییرات اقلیمی و حق بر آب اشاره می‌کند.

اما علاوه بر این، نکته بسیار مهم این است که ارتباط حق حیات با تغییرات اقلیمی نه صرفاً نسل حاضر، که نسل‌های آینده را نیز دربر می‌گیرد. به صورت علمی اثبات شده که اثرات تغییرات اقلیمی نه تنها حیات انسان‌ها در نسل فعلی، بلکه نسل‌های آینده را هم به شکل منفی تحت تأثیر قرار می‌دهد. سؤال اینجاست که آیا نسل حاضر حفاظت از محیط‌زیست جهان را آن‌هم در دوره تغییرات اقلیمی به نسل‌های آینده بدهکار است؟ می‌توان گفت علی‌رغم اینکه می‌توان به کمک تفسیر، اصلی‌ترین اسناد حقوق بشری را به این مسئله مرتبط نمود، اما متأسفانه باید اذعان داشت که حقوق نسل‌های آینده در اسناد بین‌المللی معدودی تصریح شده است و نمی‌توان به آسانی اسنادی پیدا کرد که به این موضوع تأکید کرده باشند.

اهمیت این موضوع زمانی برجسته‌تر می‌شود که به این نکته توجه کنیم که ادعای نقض حق حیات بر مبنای تغییرات اقلیمی، دارای محدودیت‌های مهمی است: شمار اندکی از اسناد کنونی حقوق بشری هم‌زمان حق حیات، حق بر سلامت و حق بر محیط‌زیست را شامل می‌شود و همین معدود اسناد هم سازوکارهای ضمانت اجرای حقوقی مؤثری ندارد. بنابراین باید راه‌حل‌های خلاقانه‌تری در مواجهه با چالش‌های ناشی از تغییرات اقلیمی در ارتباط با حق حیات مطرح شود. در زمینه حق حیات، کمیسیون حقوق بشر در گزارش راجع به وضعیت حقوق بشر در اکوادور ناظر بر حقوق بنیادین مردمان بومی ساکن ارینته،^۲ منطقه‌ای که از فعالیت‌های توسعه‌ای و خاصه حفاری نفتی اثر پذیرفته بود، یک گام پیش‌تر رفت.^۳ در این پرونده، کمیسیون نظر داد که آلودگی و تخریب محیط زیست نه تنها حق حیات و امنیت و تمامیت جسمی، بلکه «حق بر زندگی در محیط زیستی عاری از آلودگی» را هم به خطر می‌اندازد.^۴ بنابراین رأی به تعهدی کلی بر دوش دولت‌ها داد بر تضمین اینکه تدابیری برای پیشگیری و حمایت در برابر رخ دادن آلودگی‌های

۱. امیر ارجمند، اردشیر، «تقریرات درس حقوق بشر و محیط زیست»، دانشگاه شهید بهشتی، نیمسال دوم سال تحصیلی ۸۵-۸۶، ص ۲.

2. Oriente

3. IA ComHR, Report on the Situation of Human Rights in Ecuador, OEA/Ser.L/V/II. 96, Doc 10 rev 1 (24 April 1997) Chapter VIII.

4. Ibid, The Situation in Orient.

زیست محیطی که حیات ساکنان مناطق آسیب‌دیده را به خطر می‌اندازد، وضع کنند.^۱ فراتر از آن، کمیسیون تشخیص داد که اکوادور متعهد است حق بر مشارکت در تصمیم‌گیری و نیز جبران خسارت مؤثر قضایی را اجرا کند.^۲

علاوه بر این، کمیته حقوق کودک از دولت جزیره‌ای توالو^۳ درخواست کرد تا اطلاعاتی درباره اقدامات انجام‌شده برای به حداقل رساندن آثار تغییرات اقلیمی بر بهره‌مندی کودکان از حق‌هایشان، به‌ویژه اقداماتی که برای حمایت از کودکان در موارد اضطراری و تضمین دسترسی به آب آشامیدنی و خدمات بهداشتی صورت گرفته است، تهیه کند.^۴

همچنین، در پرونده مجموعه متالورژی لاورویا^۵ در پرو که به ادعای خواهان‌ها از منابع تخریب و آلودگی زیست محیطی بود، کمیسیون حقوق بشر بیان داشت که مرگ و مشکلات سلامت قربانیان که ادعا شد به سبب فعل‌ها و ترک فعل‌های پرو در رویارویی با آلودگی‌های زیست محیطی است، می‌تواند مصداق نقض حق حیات و تمامیت جسمی مندرج در مواد ۴ و ۵ کنوانسیون امریکایی باشد.^۶ دیوان همچنین در برابر آلودگی محیط زیست موضع گرفت و در نتیجه‌گیری خود اعلام کرد که فقدان اطلاعات مربوط به آلودگی گسترده زیست محیطی و اثرات آن بر سلامت، یا دستکاری آن اطلاعات توسط دولت، نقض حق بر دادرسی منصفانه آزادی اندیشه و بیان و نیز حمایت قضایی موضوع مواد ۸، ۱۳ و ۲۵ کنوانسیون امریکایی است.^۷ دیوان بین‌المللی دادگستری همچنین در پرونده کلود ریس و دیگران علیه دولت شیلی که راجع به پروژۀ جنگل‌زدایی بود، موضع مشابهی گرفت.^۸

1. Ibid, Analysis.

2. IAComEIR (1997) Conclusions and Recommendations.

3. Tuvalu

4. List of Issues to Be Taken up in Connection with the Consideration of the Initial Report of Tuvalu, CRC/C/TUV/Q/1 (8 February 2013), 10.

5. La Oroya

6. Community of La Oroya (Peru), Report No 76/09, Admissibility, Petition 1473-06 (2009 IAComHR, 5 August), 74.

7. IAComHR (2009), p 75.

8. Claude Reus atol v Chile, Preliminary Objections, Merits, Reparations and Costs, Series C No 151 (IACtHR, 26 September 2006), pp 61 – 103.

۱.۲. حق بر آب

در غیاب حق بر آب به‌عنوان یک حق بشری در «اسناد جهانی حقوق بشر»^۱ پذیرش تفسیر موسع‌تری از حق‌های بشری موجود، هم از سوی «کمیته حقوق بشر سازمان ملل» و هم از سوی کمیته سازمان ملل دربارهٔ حق‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، چارچوب هنجاری مناسبی برای حق بر آب به‌عنوان یک حق بشری فراهم کرده است. در نظریهٔ عمومی ۶ که دربارهٔ حق بر زندگی است، دامنهٔ تعهدات دولت‌های عضو به فراتر از تعهد سنتی آنها گسترش‌یافته تا علاوه بر حمایت از زندگی انسان در برابر بازداشت‌ها یا قتل‌های خودسرانه، شامل مسائل تهدیدکنندهٔ زندگی همچون سوء‌تغذیه و گسترش بیماری‌ها هم بشود. برخی از پژوهشگران علم حقوق، با بهره‌گرفتن از این تفسیر موسع و بر این مبنای منابع آبی آلوده یا اندک به‌طور مستقیم زندگی مردم را به خطر می‌اندازند، نتیجه گرفته‌اند که در پیش گرفتن رویکردی حقوق بشر بنیاد به‌حق بر آب لازم است.^۲ این دیدگاه در گزارش توسعهٔ انسانی ۲۰۰۶ برنامهٔ توسعهٔ سازمان ملل مورد تأکید قرار گرفته است؛ در این گزارش آمده «حق بر آب به‌عنوان یک حق بشری مورد نقض گسترده و نظام‌مند قرار گرفته، بدون آنکه ناقضان آن مجازات شوند»^۳

شورای اروپایی حقوق محیط‌زیست (ECEL) پس از بررسی عملکرد دولت‌ها در خصوص دسترسی به آب نتیجه گرفت که «هر شخصی از حق بر آب برخوردار است». شورای مذکور در قطعنامه‌ای که در آوریل ۲۰۰۰ تصویب کرد، محتوای حق بر آب را مشخص کرد و اعلام داشت که حق بر آب را نمی‌توان از سایر حقوق بشری که قبلاً شناخته شده‌اند، تفکیک نمود و از دولت‌ها خواست تا برای تضمین حق بر آب برای همه، اقدام نمایند. قطعنامهٔ مذکور طرح اعلامیه اول مادر یا درخصوص مدیریت پایدار آب را پیگیری کرد. در اعلامیه مذکور آمده است: «هیچ‌کس را نمی‌توان از میزان آب موردنیاز برای تأمین نیازهای اولیه خویش محروم کرد»^۴

۱. متشکل از اعلامیه جهانی حقوق بشر سال ۱۹۴۸ و میثاقین بین‌المللی سال ۱۹۶۶.

۲. برای بررسی کلی، رک:

Scanlon, Cassar and Nemes, "Water as a Human Right?"; Salman M.A. Salman and Siobhán McInerney-Lankford, *The Human Right to Water: Legal and Policy Dimensions* (Washington, D.C.: The World Bank, 2004).

3. United Nations Development Programme (UNDP). "Human Development Report 2006: Beyond Scarcity: Power, Poverty and the Global Water Crisis," 4.

۴. دبیر کل سازمان ملل متحد بیانیه مذکور را از شورای بین‌المللی حقوق محیط زیست که یک سازمان غیردولتی مشورتی ویژه می‌باشد، دریافت نموده و براساس قطعنامه ۱۹۹۵/۳۱ شورای اقتصادی و اجتماعی، آن را منتشر کرده—

تغییرات اقلیمی، سطح آب را به‌ویژه در مناطق خشک جنب‌حاره‌ای کاهش می‌دهد. از این گذشته، گرمایش جهانی با تغییر آب‌های جاری و کیفیت آب، اکوسیستم‌های مربوط به آب شیرین را متأثر کرده است و پیش‌بینی می‌شود که تغییر کیفیت آب‌های تصفیه نشده، خطراتی را برای آب شرب به دنبال داشته باشد. همچنین انتظار می‌رود که منابع آب در طول قرن بیست و یکم دستخوش تغییراتی قرار گیرد و ادامه گرمایش موجب تغییرات غیرقابل‌پیش‌بینی شود. مثلاً در رودخانه‌هایی که از یخچال‌های طبیعی تغذیه می‌شود، ممکن است میزان آب رودخانه در چند دهه آینده در بعضی مناطق بر اثر ذوب شدن بیشتر یخ افزایش یابد، اما پس‌از آن با کاهش مواجه شود. در مجموع، می‌توان نتیجه گرفت که تغییرات اقلیمی می‌تواند وجود آب شیرین و در نتیجه امنیت آب را تهدید کند.

در خصوص حق بر آب می‌توان به پرونده کیچوای اشاره کرد. در پرونده کیچوای مردمان بومی ساریا کو علیه دولت اکوادور، دیوان امریکایی حقوق بشر با امضای قرارداد اکتشاف و بهره برداری از نفت خام در اراضی موروثی کیچوها توسط دولت اکوادور و یک شرکت هیدروکربن روبه‌رو بود. کیچوها با آگاهی از خسارات زیست محیطی ناشی از استحصال نفت در آن منطقه همواره با حفاری نفتی در سرزمین هایشان مخالفت کرده بودند. با این حال، به رغم شناسایی حقوق مردمان بومی توسط اکوادور، این کشور برای اکتشاف نفت مجوز اعطا کرد که منجر به قطع درختان و گیاهان بارز زیست محیطی، فرهنگی و غذایی و نیز قرار دادن مواد منفجره قدرتمند بر سطح و زیر سطح زمین و در نتیجه، اثرگذاری بر منابع آب شرب مردم کیچوا شد.^۱ این امر دیوان را بر آن داشت که اکوادور را ناقض حق حیات و تمامیت جسمی ذیل مواد ۴، ۵، ۲۱۸ و ۲۵ بشناسد.^۲ دیوان بر اهمیت تعهدات مثبت دولت‌ها نسبت به تضمین مشارکت مؤثر جوامع بومی در طرح‌های توسعه‌ای که از نظر فرهنگی متناسب است، تأکید کرد.^۳

→ در نشست پنجاه و دوم کمیسیون فرعی بهبود و حمایت از حقوق بشر به عنوان دستورکار شماره ۴ مورخ ۴ اوت ۲۰۰۰ ارائه نموده است.

1. *Kichwa Indigenous People of Sarayaku v Ecuador, Merits and Reparations, Series C No 245 (IACHR, 27 June 2012)*, p 174.

2. *Ibid*, p 341.

3. *Ibid*, p 165.

۱.۳. حق بر غذا

در زمینه حق بر غذا، مجمع بین‌المللی تغییرات اقلیمی بیان داشته است که با توجه به افزایش میانگین ۰/۸۵ درجه‌ای میان سال‌های ۱۸۸۰ تا ۲۰۱۲ در جهان، با هر یک درجه افزایش دما، پنج درصد تولید محصولات کشاورزی کاهش می‌یابد. محصول ذرت، گندم و دیگر غلات بین سال‌های ۱۹۸۱ تا ۲۰۰۲ و در نتیجه دمای بیشتر، سالانه چهل مگاتن کاهش یافته است.^۱ گزارش گروه کاری نشان می‌دهد که نظام‌های انسانی و طبیعی، در نتیجه تغییرات اقلیمی در معرض خطر است. همچنین اثرات و تهدیدهای آینده تغییرات اقلیمی و محدودیت‌های بالقوه، لزوم انطباق با آن را گوشزد می‌کند.

همچنین، تغییرات عوامل اصلی تولید محصولات غذایی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در واقع، اثرات تغییرات اقلیمی بر محصولات و تولید غذا در بعضی از مناطق جهان به اثبات رسیده است. روند آب‌وهوا بر میزان و برداشت محصولات وابسته به آب، هم آب شیرین و هم آب دریا و نیز سیستم‌های تولید آبی اثرگذار است. تغییر آب‌وهوا و تجمع دی‌اکسید کربن هم باعث گسترش علف‌های هرز مهاجم می‌شود. در بلندمدت، این امر موجب افزایش قیمت جهانی غذا از ۳ تا ۸۴ درصد تا سال ۲۰۵۰ خواهد شد. بنابراین همه ابعاد امنیت غذایی، اعم از تولید دسترسی کاربرد و ثبات قیمت غذا تحت تأثیر قرار می‌گیرد.^۲

گزارشگر ویژه حق بر غذا در گزارش ۲۰۰۶ خود، رابطه نزدیک تخریب زمین با گرسنگی را در بسیاری از مناطق جهان بررسی کرده است، به‌ویژه در آفریقا که در آن کشاورزان و روستائیان برای امرارمعاش فقط به زمین متکی هستند.^۳ گزارش ۲۰۰۶ نشان می‌دهد که عوامل اصلی که بر مناطق کم‌باران و ساکنان آنها اثر می‌گذارند و موجب بیابان‌زایی می‌شوند، طیفی را تشکیل می‌دهد که از مواردی همچون تغییر اقلیم جهانی و جهانی‌سازی اقتصاد تا سیاست‌های ناکارآمد بین‌المللی و ملی را شامل می‌شود.^۴ در این گزارش، بر پایداری شیوه‌های عملکرد سنتی همچون زندگی چوپانی تأکید شده است که با شرایط سخت زندگی در مناطق خشک سازگار است. در این گزارش همچنین پیشنهاد شده است که برای جبران خشک‌سالی و کمبود آب، به شیوه‌های

1. IPCC, WGIL AR5 (2014).

2. Ibid, p 485.

3. Report of the Special Rapporteur on the Right to Food, Jean Ziegler, UN Doc A/61/306, (2006), par. 30.

4. Ibid.

آبیاری در حجم کوچک و پروژه‌های مدیریت آب توجه شود؛ مقابله با جنگل‌زدایی و تخریب زمین در جلوگیری از قحطی و ناامنی غذایی در مناطق روستایی از اهمیت اساسی برخوردار است.^۱ بر اساس این گزارش، تخریب زیست‌محیطی به نقض هولناک حقوق بشر می‌انجامد که باید به آن در سطوح ملی و بین‌المللی رسیدگی شود.^۲

در ملاحظات مرتبط با حق بر غذا و در بررسی شرایط کشور استرالیا در سال ۲۰۰۹، کمیته حقوق بشر نسبت به اثرات تغییرات اقلیمی بر حق بر استاندارد مناسب زندگی، با اشاره به حقوق مردمان بومی اعم از حق بر غذا و آب، ابراز نگرانی کرد. در نتیجه، کمیته دولت استرالیا را تشویق کرد که تلاش‌هایش برای رسیدگی به مسئله تغییرات اقلیمی، شامل طرح‌های کاهش انتشار کربن را بیشتر کند و «انتشار گازهای گلخانه‌ای خود را کم کرده و اقدامات لازم و مناسب را برای کاهش پیامدهای مخرب تغییرات اقلیمی بر حق بر غذا و حق بر آب مردمان بومی انجام دهد».^۳

این رویکرد در پرونده جامعه بومی یا که آکسا علیه دولت پاراگوئه^۴ مورد تأیید دیوان امریکایی قرار گرفت. در این پرونده دیوان درباره موقعیتی رأی داد که جامعه‌ای بومی از اراضی موروثی‌اش اخراج شده و در وضعیتی از نظر اجتماعی-اقتصادی آسیب‌پذیر قرار گرفت که بقای فردی و جمعی آنها را به مخاطره می‌انداخت. دیوان ضمن تأیید موضع خواهان، رأی به نقض حق بر مالکیت، حیات و دادرسی منصفانه برابر مواد ۴، ۲۱ و ۲۵ کنوانسیون امریکایی حقوق بشر داد.^۵ به طور خاص، دیوان نظر داد که دسترسی مردمان بومی بر اراضی موروثی خود و منابع طبیعی مربوط به آن مقدمه‌ای است برای تحقق حق بر غذا و آب که خود برای حق بر سلامت، زندگی شایسته و دیگر حق‌های بنیادین مثل حق بر آموزش و هویت فرهنگی ضروری است.^۶

۱.۴. حق بر پناهندگی اقلیمی

با گسترش آثار مخرب تغییرات اقلیمی بر زندگی جوامع و به‌خصوص تعداد رو به فزونی پناهجویان ناشی از عوامل زیست‌محیطی، نظریه‌پردازان به دنبال یافتن راهکار مناسب برای حمایت از این پناهجویان پرداخته‌اند. با قاطعیت می‌توان علت عمده پدیده مهاجران زیست‌محیطی

1. Ibid., par. p 31.

2. Ibid. par. P 54.

3. CESCR, Concluding Observations: Australia, E/C.12/AUS/CO/4 (12 June 2009).

4. Yakye Axa Indigenous Community v Paraguay.

5. Ibid, p 242.

6. Ibid, p 167.

را نتیجه تغییرات اقليمي دانست. اما تاکنون قواعد حمایتی خاصی نسبت به مهاجران زیست‌محیطی شکل نگرفته است و به همین دلیل، بعضی از حقوقدانان ترجیح داده‌اند که قواعد موجود را تکمیل کنند و به‌نوعی به سازوکارهای مکمل قواعدی روی آورند که برای پناهندگان در مفهوم کلاسیک آن مدون شده بود، نه پناهندگان ناشی از تغییرات اقليمي.^۱

تغییر اقلیم حتی می‌تواند به تهدیدی علیه صلح و امنیت جهانی تبدیل شود. به‌طور مثال، در کشورهایی مانند فیجی که از حیث جغرافیایی در مناطق فرودست قرار گرفته و از نظر ساختار اجتماعی متشکل از گروه‌های قومی و نژادی متنوعی است، بالا آمدن سطح دریا و به‌طور کلی تغییرات اقليمي می‌تواند به افزایش تنش بین این گروه‌های قومی منجر شود و امنیت ملی کشور را متزلزل کند.^۲

علاوه بر کشورهای جزیره‌ای کوچک، پیش‌بینی می‌شود که بالا آمدن سطح دریاها و به‌تبع آن ناپدید شدن زمین‌های ساحلی پست می‌تواند باعث کوچ صدها میلیون نفر در آمریکای مرکزی، آسیای جنوبی و آسیای جنوب شرقی شود. برای مثال، در بنگلادش که یکی از کشورهای پرجمعیت متراکم در جهان است، خطر آب‌گرفتگی سواحل رو به افزایش است؛ به‌طوری‌که ممکن است باعث شود ۳۰ میلیون نفر به دنبال زمین‌های مرتفع بگردند؛ زیرا با این روند ۲۰ درصد از کل خشکی‌های این کشور به زیر آب می‌روند.^۳

مهاجرت در این مقیاس بی‌سابقه، واکنش سازمان‌های جهانی و نیز تغییر در تفسیر اسناد حقوقی بین‌المللی مرتبط با سایر مفاهیم سنتی مهاجرت را می‌طلبد. توافق کپنهاگ^۴ (نشست تغییرات آب و هوایی سازمان ملل در کپنهاگ) اصلاً اشاره‌ای به پناهندگان تغییرات آب و هوایی ندارد. در حال حاضر، به دلایلی که ذکر شد، هیچ تعریف مورد توافقی در سطح بین‌المللی در خصوص معنای «مهاجر زیست‌محیطی»، «پناهنده اقليمي» یا «افراد جابه‌جا شده زیست‌محیطی» وجود ندارد.

1. Biermann and Boas, preparing for a warmer world: toward a global governance system to protect climate refugee, *Global Environmental Politics*, p 60.

۲. مصفا، نسرين و حورا حسين‌زاده هاشمی، **حمایت حقوقی از پناهجویان تغییرات اقليمي**، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، سال سیزدهم، تابستان ۱۳۹۵، شماره ۱، ص ۳.

3. Biermann and Boas, op.cit.

4. Copenhagen Accord

کمیسیون سابق حقوق بشر در سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ در راستای تحقیقات راجع به حقوق بشر و محیط زیست به عنوان بخشی از توسعه پایدار، کار مقدماتی بر ارتباط میان حقوق بشر و تغییرات اقلیمی را آغاز کرده بود.^۱ کمیسیون فرعی ترویج و حمایت حقوق بشر حتی به طور اخص بحثی در خصوص چالش جزایر کوچک و مسئله بالقوه «پناهندگان اقلیمی» داشت.^۲ این مسئله همچنین در کمیته مشاوران کمیسیون حقوق بشر در موضوع حق بر غذا، شامل مقوله «پناهندگان گرسنگی» بحث شده بود.^۳ با این حال، متأسفانه کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد همیشه خود را ملتزم به ادبیات مضیق و محدود در تعریف مفهوم پناهنده ذیل کنوانسیون ژنو ۱۹۵۱ می‌دانست.^۴

همچنین اخیراً کمیته حقوق بشر، نتیجه بررسی شکایت یک شهروند جزیره کیریباتی،^۵ یکی از جزایر اقیانوس آرام را منتشر کرد. این مرد از دولت نیوزلند به دلیل نپذیرفتن تقاضای پناهندگی خانواده‌اش به کمیته حقوق بشر شکایت کرده بود. دلیل فرار خانواده از آن جزیره بسیار کوچک، بالا رفتن سطح اقیانوس، از بین رفتن زمین‌های زراعی و احتمال نابودی تمامی جزیره اعلام شده بود. کمیته حقوق بشر سازمان ملل پس از تحقیقات گسترده به این نتیجه رسید که در صورت بروز خطر جدی از جانب اقیانوس، امکانات کافی برای نجات جان ساکنان جزیره وجود دارد و به همین دلیل، شکایت مرد شاکی را رد کرد.

در عین حال، کمیته به این نتیجه رسید که خطرات ناشی از تغییرات اقلیمی باید به عنوان دلیل کافی برای پناهنده شدن به رسمیت شناخته شوند. به این ترتیب، در مواردی که درخواست پناهندگی به دلیل پیامدهای ناشی از تغییرات اقلیمی باشد، دست بازسان پرونده‌های پناهندگی برای به رسمیت شناختن تقاضای پناهندگی افراد بازتر خواهد بود.^۶

1. UN Secretary-General, Human Rights and the Environment as Part of Sustainable Development, E/CN.4/2001/87 (6 February 2004) and E/CN.4/2005/96 (19 January 2005).

2. Sub-Commission on Promotion and Protection of Human Rights, Resolution 2004/10, (9 August 2004).

3. Jean Ziegler, Report to the Human Rights Council on the Right to Food Doc A/HRC/4/30 (19 January 2007) 17.

4. Hugh Massey, UNHCR and De Facto Statelessness.

5. Kiribati

6. <https://news.un.org/en/story/2020/01/1055671/>

۲. حق‌های جمعی متأثر از تغییرات اقلیمی در رویه دولت‌ها و محاکم بین‌المللی

در این قسمت، به حق‌هایی پرداخته می‌شود که ماهیت جمعی دارند و سوژه تأثیرپذیر از تغییرات اقلیمی، نه یک فرد خاص، که کلیت یک جمع است. حق‌های مورد بررسی در این قسمت شامل حق بر امنیت، حق تعیین سرنوشت، حقوق مردمان بومی و حق بر توسعه هستند.

۲.۱. حق بر امنیت

ممکن است پیامدهای متفاوت تغییرات جوی در حوزه‌های مختلف، بستر وقوع درگیری و مخاصمه را در سطح داخلی و بین‌المللی فراهم آورد. تغییر اقلیم همچنین از طریق تأثیراتی که بر روی منابع حیاتی جوامع می‌گذارد، موجبات نایابی و کمیابی آنها را فراهم می‌آورد. این تغییرات باعث می‌گردد جوامع بر سر دستیابی به این منابع محدود با یکدیگر به منازعه بپردازند. همچنین تغییرات اقلیمی از طریق تأثیر بر روی مهاجرت افراد، موجبات ناآرامی و اغتشاش را در یک منطقه موجب می‌گردد.^۱

تغییرات آب و هوایی سبب تشدید مشکلات موجود از قبیل فقر، تنش‌های اجتماعی، تخریب محیط‌زیست، رهبری ناکارآمد و نهادهای سیاسی ضعیف نیز می‌شود. البته بآنکه سقوط دولت می‌تواند پیامد گرمایش جهانی گسترده باشد، اما بر اساس یکی از ارزیابی‌های صورت‌گرفته در ایالات متحده آمریکا، بعید است که تا سال ۲۰۳۰ تغییرات آب و هوایی به‌تنهایی بتواند دولتی را به سقوط بکشاند.^۲ اما در کوتاه‌مدت تغییرات آب و هوایی می‌تواند تهدیدکننده ثبات داخلی بعضی از کشورها بشود و به‌طور بالقوه به مخاصمات بین کشورها و به‌احتمال کمتر، درون کشورها بر سر منابع کمیاب آب دامن بزند. نمونه بارز آن، دارفور سودان است که بر اساس گزارش برنامه محیط‌زیست ملل متحد تغییرات اقلیمی منطقه‌ای، کمیاب شدن آب و صدمه مداوم به زمین‌های حاصلخیز عوامل بنیادین مخاصمه در دارفور به شمار می‌آیند.^۳

۱. خوش‌منش، بهنوش و دیگران، بررسی پیامدهای تغییر اقلیم از دیدگاه حقوق بشر، علوم و تکنولوژی

محیط زیست، دوره هفدهم، زمستان ۹۴، شماره ۴، صص ۲۴۴ و ۲۴۵.

2. National intelligence assessment on the national security implications of global climate change to 2030, statement for record of Dr Thomasingar, 24 June 2008, House permanent select committee on intelligence.

3. Sudan post conflict engagement assessment, a report by UNEP (Geneva, 2007).

پس افزایش تنش‌های سیاسی نتیجه‌گریزناپذیر تغییرات اقلیمی است که خود موجب ناامنی می‌گردد. در واقع، کشورهای در حال توسعه، عموماً به دلیل عدم بهره‌مندی از ظرفیت‌های پاسخ‌گویی مناسب به وقایعی که به‌طور هم‌زمان یا مداوم و در مقیاس وسیع روی می‌دهد، از تأثیرات زیان‌بار تغییرات جوی بیشتر رنج می‌برند؛ در عین حال کشورهای صنعتی که ظاهراً توان رویارویی با این تغییرات را دارند نیز با مسائل و مشکلات دیگری روبه‌رو خواهند شد. کوتاهی کشورهای اخیر که با استفاده بیشتر از سوخت‌های فسیلی مسئولیت بیشتری نیز در تراکم گازهای گلخانه‌ای در جو دارند، در یاری‌رساندن به کشورهای در حال توسعه برای مدیریت چالش‌های تغییرات جوی، خود منجر به افزایش هرچه بیشتر تنش‌های جنوب-شمال خواهد شد.^۱

امکان وقوع جنگ‌های مرتبط با آثار تغییرات آب و هوایی چنان زیاد است که شورای امنیت سازمان ملل متحد در ۱۷ آوریل ۲۰۰۷ در این خصوص بحث نمود که آیا احتمال وقوع جنگ به‌واسطه تغییرات آب و هوایی می‌تواند موضوع را ذیل مبحث صلح و امنیت بین‌المللی تحت اختیار شورا درآورد. اکثریت کشورها بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی و خود سازمان ملل از یک «واکنش جهانی بلندمدت» در برابر تغییرات آب و هوایی دفاع نمودند. چنین واکنشی باید در بردارنده تلاش‌های متحد، از جمله اقدامات مورد اتخاذ شورای امنیت سازمان ملل باشد.^۲

التهام، تغییرات اقلیمی درک ما از امنیت ملی و جهانی را به کلی دگرگون می‌سازد. در زمینه حق بر امنیت نیز می‌توان به پرونده سان ماتئو اشاره داشت. در پرونده جامعه بومی سان ماتئو علیه دولت پرو، خواهان‌ها از آلودگی زیست محیطی که توسط یک محل دفع پسماندهای سمی تحت مالکیت یک شرکت^۳ ایجاد شده بود و جمعی را که اکثریت آن را جوامع بومی تشکیل می‌داد، تحت تأثیر قرار داده بود، شکایت کردند. کمیسیون دعوا را مسموم دانست و اعلام کرد که در صورت اثبات، اثرات آلودگی زیست محیطی ناشی از محل دفع که منجر به بحران عمومی سلامت شده است، می‌تواند ویژگی‌های نقض حق بر امنیت فردی، مالکیت،

۱. موسوی، پیشین، ۱۷۵.

2. See: Security Council 5663rd meeting, Security Council SC 9000 (2007). Available at: <http://www.un.org/news/press/docs/2007/sc9000/doc/htm/>

3. Lizandro Proaño SA Mining Company

دادرسی منصفانه، حمایت قضایی، حقوق کودک و توسعه حق‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی موضوع مواد ۴، ۵، ۱۷۸، ۱۹، ۲۱ و ۲۶ کنوانسیون امریکایی حقوق بشر را داشته باشد.^۱

۲.۲. حق تعیین سرنوشت

حق تعیین سرنوشت از دوره استعمارزدایی از امپریالیسم اروپایی رشد کرد. از آن زمان به بعد، حیات تازه‌ای در ظهور دولت‌ها، مشخصاً در اروپا و مردمان بومی و اقلیت‌ها به‌ویژه در آمریکای لاتین و آفریقا یافته است. اما مسئله این است که حق تعیین سرنوشت برای حل مشکل کشورهای جزیره‌ای، یعنی غرق شدن بر اثر افزایش سطح آب دریاها در نتیجه تغییرات اقلیمی، به‌اندازه کافی توسعه‌نیافته است.

کشورهای جزیره‌ای با دو مشکل مواجه هستند: یکی مشکل فیزیکی است؛ مشکل روبه افزایشی که بر اثر زیر آب رفتن یا تجاوز دریا به خشکی باعث کمبود آب شیرین اراضی زراعی و از بین رفتن حفاظت در برابر امواج می‌شود. دومی، مشکلی حقوقی است: تا چه حد گروه‌های بی‌خانمانی جزایر یا صخره‌های آبی می‌توانند ادعای دولت بودن کنند؟ تا چه حد مردم این جزایر می‌توانند با استناد به حقوق دریاها، ادعای مالکیت بر منابع طبیعی خود، به‌ویژه در مناطق ساحلی مورد بهره‌برداری، داشته باشند؟

حق تعیین سرنوشت برای پرداختن به این پرسش‌ها توسعه‌نیافته است و در نتیجه، راه‌حل مناسبی برای مناطق در حال غرق شدن ارائه نمی‌کند. اما در هر حال، این حق مقرر می‌کند که مردم این کشورها هنوز حق زنده ماندن و تسلط بر منابع طبیعی خود، مخصوصاً مناطق دریایی را دارند، حتی اگر آواره شوند. این نکته را حتی می‌توان به حق بر حیات نیز ارتباط داد؛ چراکه برای اینکه شخصی حق زنده ماندن داشته باشد، نیازمند حق داشتن سرزمین و اختیارات لازم برای مدیریت آن نیز هست.

در همین راستا، فصل ۲۹ گزارش ارزیابی پنجم تغییرات اقلیمی، ناظر بر جزایر کوچک است. در مقدمه این قسمت آمده است:

«درحالی که میزان انتشار گازهای گلخانه‌ای توسط جزایر کوچک، سهم ناچیزی از کل انتظار جهانی است، اما تهدید تغییرات اقلیمی و ارتقای سطح دریا برای این جزایر کاملاً

1. Community of San Mateo de Huanchor and Its Members (Peru), Petition 504/03, Report No 69/04, Admissibility (IAComHR, 19 October 2005), p 66.

واقعی است. در واقع، بقای بعضی از ملت‌های ساکن در مجاورت صخره‌های مرجانی، به دلیل بالا آمدن سطح آب بر اثر گرمایش جهانی تهدید می‌شود. با اینکه این سناریو به همه ملت‌های جزیره‌نشین قابل تسری نیست، شکی وجود ندارد که تغییرات اقلیمی در جزایر کوچک می‌تواند اثرات جدی منفی به‌ویژه از نظر وضعیت اقتصادی و منابع زیستی و طبیعی بر جای بگذارد.^۱

۲.۳. حقوق مردمان بومی

با گسترش جهانی‌سازی اقتصادی، جوامع قبیله‌ای و بومی شاهد آن هستند که دیگران به زمین‌های نیاکانی، شیوه‌های امرار معاش و سبک‌های زندگی مبتنی بر فرهنگ خودشان هجوم می‌آورند. تخریب زیست‌محیطی و برهم‌خوردن شیوه زندگی سنتی مردم بومی در نتیجه تغییرات اقلیمی، اصل امرار معاش آنها را تهدید می‌کند. تخریب اکوسیستم‌ها در نتیجه تغییرات اقلیمی و در کنار آن، تضعیف نظام‌های حقوقی عرفی و محلی و حاکمیت نظام سرمایه‌داری که بر اساس سود حداکثری اداره می‌شود، مدیریت این منابع را با اختلال مواجه کرده است. از این نظر، بسیاری از محیط زیست‌گرایان رادیکال بر این باورند که پایداری و تعادل زیست‌محیطی و مقابله بنیادین با تغییرات اقلیمی، با اقتصاد سرمایه‌داری جهانی سازگار نیست و در چنین نظام اقتصادی نمی‌توان به آن دست یافت.^۲

اختلال در روند طبیعی این منابع در نتیجه تغییرات اقلیمی، می‌تواند عمیقاً و به نحو خطرناکی بر روال زندگی میلیون‌ها نفر از اعضای جامعه‌های محلی، قبیله‌ای و بومی در سراسر جهان اثر بگذارد. نقض سیستماتیک حق مردم بر منابع طبیعی مسئله فقر را در کشورهای در حال توسعه پیچیده‌تر کرده است. برای نمونه، از آغاز قرن پیشین، تولید الوار عامل تخریب و استثمار بیشتر جنگل‌های فیلیپین بوده است. این امر به زوال غیرقابل‌باور میراث مشترک اکولوژیکی ارزشمند فیلیپینی‌ها و کل بشریت انجامیده است.^۳

1. <https://www.ipcc.ch/report/ar5/wg2/small-islands/> p. 1618.

2. Alexandra Xanthaki, *Indigenous Rights and United Nations Standards: Self Determination, Culture and Land* (Cambridge: Cambridge University Press, 2007), p 155.

۳. برای بررسی کلی، رک:

Oliver A. Houck, "Light from the Trees: The Stories of Minors Oposa and the Russian Forest Cases," *Georgetown International Environmental Law Review* 19, no. 3 (2007): pp 326-30.

مبنای حقوقی حق مردم بومی بر زمین را همچنین می‌توان از حق بر خودمختاری نیز که به‌خوبی به رسمیت شناخته شده استنباط کرد. در «اعلامیه ۲۰۰۷ سازمان ملل درباره حقوق مردمان بومی» به‌روشنی بیان شده است که مردم بومی با اعمال حقشان بر خودمختاری «دارای حق بر استقلال داخلی یا تشکیل حکومت خودگردان، در موضوعات مربوط به امور داخلی یا محلی خودشان، و نیز بر شیوه‌ها و ابزارهای تأمین مالی کارکردهای مستقل خودشان هستند»^۱ در بیشتر مفاد «اعلامیه ۲۰۰۷»، حق بین‌المللی خودمختاری ملت‌های بومی به‌صورت حق بر حکومت خودگردان و استقلال داخلی تصدیق شده است.^۲ هم در کنوانسیون سازمان بین‌المللی کار و هم در «اعلامیه ۲۰۰۷» دولت‌ها ملزم شده‌اند که از حق بومیان بر منابع طبیعی پاسداری کنند، و از محیط‌زیست سرزمین‌هایی که جامعه‌های بومی در آن‌ها زندگی می‌کنند حمایت کنند.^۳ در «اعلامیه ۲۰۰۷»، دولت‌ها ترغیب شده‌اند که فوراً تدابیری اتخاذ کنند تا در مواردی که تخلیه آلاینده‌های خطرناک در سرزمین‌های بومیان بدون رضایت یا آگاهی بومیان است، از این کار ممانعت به عمل آید.^۴

در این زمینه رویه قضایی قابل‌توجهی وجود دارد؛ در پرونده جامعه مایاگنا (سومو) در برابر نیکاراگوئه،^۵ دیوان آمریکایی حقوق بشر با تأکید بر تعهدات نیکاراگوئه و دیگر دولت‌های قاره آمریکا درباره حق بومیان بر زمین، رویه‌ای را در این زمینه ایجاد کرد.^۶ دادگاه رأی داد که نبود اسناد حقوقی دال بر تملک مردم بومی بر زمین‌های نیاکانی‌شان نباید موجب شود که مقامات دولتی به این زمین‌ها به‌مثابه دارایی عمومی نگاه کنند. در این پرونده، دیوان تأیید کرد که بر اساس آداب‌ورسوم عرفی موجود، در جوامع فاقد اسناد مالکیت، تصرف زمین باید برای به رسمیت شناختن آن دارایی و سپس ثبت آن کافی باشد.^۷

1. United Nations Declaration on the Rights of Indigenous Peoples, arts. 3, 4.
2. General Comment 23: The Rights of Minorities (Art 27), United Nations Human Rights Committee, 50th sess, UN Doc CCPR/C/21/Rev. 1/Add. 5 (1994), art. 25.
3. ILO Convention (No. 169), arts. 7(4), 15; The 2007 Declaration art. 29(2).
4. The 2007 Declaration, art. 29(2).
5. Mavagna (Sumo) Awas Tingni Community v. Nicaragua, Inter-Am Comm HR, Case No. 11.140(2001).
6. Jennifer A. Amcott, "Environment, Equality, and Indigenous Peoples' Land Rights in the Inter-American Human Rights System: Mayagna (Sumo) Indigenous Community of Awas Tingni v. Nicaragua," *Environmental Law* 32(2002).
7. Mavagna (Sumo) Awas Tingni Community v. Nicaragua, Inter-Am Comm HR, Case No. 11.140(2001). (Jennifer A. Amcott, "Environment, Equality, and Indigenous Peoples' Land Rights in the Inter-American Human Rights System: Mayagna (Sumo) Indigenous Community of Awas Tingni v. Nicaragua," *Environmental Law* 32(2002), par. 151.

مثال دیگر در این باره، بازهم مربوط به دولت نیکاراگوئه است: این دولت در سرزمین‌های جامعه «آواس تینگنی» امتیاز قطع درختان را به شرکت سلکارسا^۱ واگذار کرد، بی‌آنکه به اعضای آن جامعه اطلاع دهد یا درباره آن با آنها مشورت کند. در نتیجه، این جامعه دادخواستی را به کمیسیون آمریکایی حقوق بشر تسلیم کرد که در آن دولت نیکاراگوئه به دلیل آنکه همواره درخواست این جامعه برای علامت‌گذاری زمین‌هایشان را رد کرده است، به نقض حق آنها بر زمین‌هایشان متهم شده بود. کمیسیون رأی داد که نیکاراگوئه حق دادخواست دهندگان بر دارایی‌شان را نقض کرده (ماده ۲۱ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر) و نتوانسته است خسارت‌های آنها را به نحو مؤثری جبران کند (ماده ۲۵).^۲ کمیسیون مزبور توصیه‌هایی صادر کرد که در آنها دولت نیکاراگوئه ترغیب شده بود فوراً فعالیت‌های مرتبط با قطع درختان را تعلیق کند تا مسئله مالکیت بومیان بر آن مناطق حل شود و تشریفات قانونی مناسبی اتخاذ گردد تا «علامت‌گذاری حدود سرزمین جامعه آواس تینگنی و سرزمین‌های جوامع دیگر ساحل نیکاراگوئه در مجاورت اقیانوس اطلس فوراً و رسماً به رسمیت شناخته شود.»^۳ از آنجاکه نیکاراگوئه اتهامات را رد کرد، کمیسیون در ۴ ژوئن ۱۹۹۸ پرونده را به دیوان آمریکایی حقوق بشر فرستاد. دیوان تصمیمات کمیسیون را تأیید کرد و به دولت نیکاراگوئه دستور داد به اعضای جامعه آواس تینگنی غرامت مالی پرداخت کند، برای بهبود شرایط زندگی آنها در مناطق زندگی‌شان سرمایه‌گذاری نماید و سرزمین‌های سنتی آنها را علامت‌گذاری کند. دیوان با صادر کردن این رأی، حق بر دارایی را آن‌گونه که در کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر آمده است، گسترش داد تا «حق مردم بومی بر حمایت از زمین‌های استیجاری و منابع مربوط به آنها» را نیز در برگیرد.^۴

۲.۴. حق بر توسعه

ماده ۲ معاهده پاریس، در بند ۱ به این نکته تأکید می‌کند که مبارزه با تغییرات اقلیمی در چارچوب تحقق توسعه پایدار خواهد بود.^۵ همچنین قطعنامه ۴۸/۱۰ شورای حقوق بشر در سال

1. SOLCARSA company

2. Ibid., pars. 142-43.

3. Ibid., par. 143.

4. S. James Anaya and Claudio Grossman, "The Case of Awas Tingni v. Nicaragua: A New Step in the International Law of Indigenous Peoples," *Arizona Journal of International and Comparative Law* 19, no. 1 (2002): 1.

5. Paris Agreement, art 2.

۲۰۲۱ نیز بر رابطه حق بر توسعه و تغییرات اقلیمی تأکید نموده است.^۱ در حال حاضر اقداماتی که در پیمان‌های مقابله با تغییرات جوی پیش‌بینی شده، بر اساس اصل اقدامات احتیاطی و پیشگیرانه است. این امر همراه با رقابت نظام‌های سیاسی و اقتصادی دولت‌ها سبب شده است که آنها به‌طور جدی حاضر به انجام اقدامات مؤثر و کافی به‌منظور برون‌رفت از این بحران نشوند.^۲

مثلاً مردم جنوب آسیا در برابر تغییرات الگوهای بارش، آسیب‌پذیری بسیاری دارند. تغییر الگوی بارش می‌تواند منابع آب و غذا را در معرض تهدید شدید قرار دهد، برخی مناطق را زیر آب ببرد و مناطق دیگر را نیازمند آب برای تولید انرژی و کشاورزی و حتی آب آشامیدنی نماید. بلایایی همچون سیلاب‌های ویرانگر پاکستان در سال ۲۰۱۰ که بر بیش از ۲۰ میلیون نفر اثر گذاشت، ممکن است به‌مرور بدل به حوادثی معمول شوند. پیش‌بینی می‌شود مناطقی که افزایش کمتر از دو درجه‌ای دما را تجربه می‌کنند، حدود بیست درصد کمبود آب داشته باشند. این رقم در مناطق با چهار درجه افزایش دما، به پنجاه درصد می‌رسد.^۳ همراه با این کمبود آب، سیستم‌های تولید غذا هم برای تأمین غذای بیشتری که بشر در آینده به آن نیاز دارد تحت فشار قرار می‌گیرد. این اثرات می‌تواند پیامدهای مهیب برای امنیت غذا به دنبال آورد و در نتیجه فرایند رشد اقتصادی و کاهش فقر در مناطق تحت تأثیر را کاملاً مختل کند.^۴ علاوه بر این، کشاورزان، جوامع ساحلی و مراکز شهری بزرگ در معرض مواجهه با بلایای ناشی از افزایش سطح آب دریا، افزایش شدت طوفان‌های موسمی مناطق حاره و کاهش صید ماهی قرار می‌گیرند و مناطق ساحلی نیز صخره‌های مرجانی‌شان را از دست می‌دهند.^۵

در مجموع، کمیساریای عالی حقوق بشر ملل متحد اعلام کرده که مناطق و کشورهای فقیرتر به‌طور نابرابر تحت تأثیر «تبعات فاجعه‌آمیز» تغییرات اقلیمی قرار می‌گیرند.^۶ در واقع باید گفت که

1. <https://undocs.org/A/HRC/RES/48/10>.

۲. قدوسی، مزده، جایگاه اصل توسعه پایدار در حقوق بین‌الملل بر تغییرات اقلیمی، مجله بین‌المللی پژوهش ملل، دوره پنجم، ۱۳۹۹، شماره ۵۲، ص ۹۷.

3. Climate and Development Knowledge Network, Integrating Climate Change in the Post-2015 Development Agenda (March 2014) 3.

4. Ibid.

5. Jim Yong Kim, President of the World Bank Group, Op-Ed: Ending Poverty includes Tackling Climate Change (10 July 2013).

6. OHCHR, A/HRC/32/23, Report on the Relationship between Climate Change and Human Rights, 26, 42, 77.

تغییرات اقلیمی کاملاً به مسائل مربوط به حق بر توسعه ارتباط دارد. تغییرات اقلیمی تاکنون آینده مردم آسیب‌پذیر در کشورهای ضعیف را به شدت تحت‌الشعاع قرار داده است. به‌ویژه در کشورهای درحال توسعه و در راه دستیابی به اهداف توسعه هزاره که شامل «تحقق حق بر توسعه برای همگان»^۱ می‌شود. کمیسر عالی پیشین حقوق بشر در همین راستا بیان داشته است:

«جوامع فقیر بیشترین رنج را از تغییرات اقلیمی متحمل می‌شوند و جوامع ثروتمند بیشترین نقش را در ایجاد این مشکل دارند. آزمون حقوق بشر، که بر برابری همه انسان‌ها تأکید می‌کند، به چالش کشیدن ساختاری است که با عوامل تغییرات اقلیمی کاری ندارد. چارچوب حقوق بشر مبانی حقوقی و هنجاری لازم برای قدرت بخشیدن به فقرا در جهت ادعای جبران خسارت را در اختیار می‌گذارد.»^۲

به لحاظ هنجاری، تعهدات حق‌های بشری فردی و جمعی نسل‌های اول و دوم که مشمول قسمت‌های اقتصادی حق بر توسعه است، کشورهای توسعه‌یافته را ملزم به تقسیم منصفانه و برابر منابع زمین می‌کند.^۳ کشورهای درحال توسعه هم مکلف شده‌اند سیاست‌های کاهش و انطباق گازهای گلخانه‌ای را برای حفظ حقوق بنیادین شهروندان خود در پیش گیرند. این تعهدات، نیازمند رویکردی فعالانه از جانب کشورهای درحال توسعه و توسعه‌یافته در راستای تعهد به ایفای حقوق بشر فردی و جمعی در رابطه با حق بر توسعه است.

۲.۵. حقوق زنان

تغییرات اقلیمی تهدیدی است که هرگونه معضل را تشدید می‌کند. به این معنی که تنش‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را در محیط‌های شکننده و متأثر از درگیری چند برابر می‌کند. از آنجایی که تغییرات آب و هوایی منجر به درگیری در سراسر جهان می‌شود، زنان و دختران با آسیب‌پذیری‌های فزاینده‌ای در برابر انواع خشونت‌های مبتنی بر جنسیت، از جمله خشونت جنسی، قاچاق انسان، ازدواج کودکان و سایر اشکال خشونت روبه‌رو هستند.

1. UN GA Res 55/2 (2000), 11.

2. Robinson, Climate Change and Justice' 36 Scottish Human Rights Journal. At: <https://www.scottishhumanrights.com/our-law-and-policy-work/environment-and-climate/>

3. Cardona, Climate Justice for a Changing Planet: Placing the Right to Development and Justice at the Heart of the Response to Climate Change; ellana, Climate Change and the Millennium Development Goals: the Right to Development, International Cooperation and the Clean Development Mechanism, 2, 1.

هنگام وقوع بلایای طبیعی، زنان به دلیل نابرابری‌های جنسیتی طولانی مدت که باعث ایجاد نابرابری در اطلاعات، قدرت تصمیم‌گیری و دسترسی به منابع و آموزش شده است، کمتر زنده می‌مانند^۱ و بیشتر آسیب می‌بینند. همچنین، زنان و دختران کمتر قادر به دسترسی به امداد و کمک هستند. این امور موجب می‌شود که تغییرات اقلیمی بیشتر معیشت، رفاه و زیست سالم آنها را تهدید می‌کند و یک چرخه معیوب از آسیب‌پذیری ایجاد نماید.

تغییرات آب‌وهوایی همچنین شیوع بیماری‌های ناقل مانند مالاریا، تب دنگی و ویروس زیکا را افزایش می‌دهد که این امر، پیامدهای بدتری برای مادران نوزادها خواهد داشت که در این شرایط، دسترسی کمتری به خدمات بهداشتی دارند.^۲

همچنین باید به این نکته توجه کرد که این خطرات برای همه زنان و دختران یکسان نیست. خطرات تغییرات آب و هوایی برای زنان و دختران بومی و آفریقایی و زنان مسن، زنان و دختران دارای معلولیت، زنان مهاجر و کسانی که در مناطق روستایی و دورافتاده زندگی می‌کنند، به مراتب بیشتر است.

در بسیاری از جوامع، هنجارهای اجتماعی-فرهنگی و مسئولیت‌های مراقبت از کودکان، زنان را از مهاجرت یا پناه بردن به مکان‌های دیگر یا کار در هنگام وقوع فاجعه باز می‌دارد. چنین وضعیتی احتمالاً بار بیشتری را بر دوش زنان می‌گذارد؛ مانند سفر طولانی‌تر برای تهیه آب آشامیدنی و تهیه چوب برای سوخت. زنان در بسیاری از کشورهای در حال توسعه از نابرابری‌های جنسیتی در زمینه حقوق بشر، وضعیت سیاسی و اقتصادی، مالکیت زمین، شرایط مسکن، قرار گرفتن در معرض خشونت، آموزش و بهداشت رنج می‌برند. تغییرات آب و هوایی یک عامل استرس‌زای اضافی خواهد بود که آسیب‌پذیری زنان را تشدید خواهد کرد. همچنین ثابت شده است که در طول درگیری‌های این چنین، زنان با خشونت خانگی، ارعاب جنسی، قاچاق انسان و تجاوز بیشتری روبه‌رو می‌شوند.^۳

1. <https://wedocs.unep.org/handle/20.500.11822/7985/>

2. <https://www.unfpa.org/news/five-ways-climate-change-hurts-women-and-girls/>

3. <https://www.un.org/en/chronicle/article/women-in-shadow-climate-change/>

۲.۶. حقوق کودکان

صندوق کودکان سازمان ملل برآورد می‌کند نزدیک به نیمی از کودکان جهان به خاطر تغییرات اقلیمی در معرض خطرهای جدی هستند. یونیسف می‌گوید حدود یک میلیارد کودک با خطر شدید پیامدهای تغییرات اقلیمی درگیرند. در تازه‌ترین گزارش صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف)، تأکید شده است کودکان و نوجوانان جهان، گرچه کمترین مسئولیت در تغییرات اقلیمی را بر عهده دارند، بیش از دیگران در معرض آسیب‌ها و پیامدهای آن هستند. یونیسف در این گزارش می‌گوید، از ۲ میلیارد و ۲۰۰ میلیون کودک جهان، حدود یک میلیارد آنها «به طرز بسیار شدیدی» درگیر خطرهای ناشی از تغییرات اقلیمی هستند.^۱

همچنین، بر اساس قطعنامه ۳۲/۳۳ شورای حقوق بشر، دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر، یک مطالعه تحلیلی در مورد رابطه میان تغییرات اقلیمی و بهره‌مندی کامل از حقوق کودک به سی‌وپنجمین جلسه شورا ارائه داده که در آن، تأثیر تغییرات اقلیمی بر کودکان و تعهدات و مسئولیت‌های حقوق بشری دولت‌ها و سایر بازیگران مورد ارزیابی قرار گرفته و توصیه‌های لازم ارائه شده است. بر اساس این مطالعه، برخی از پیامدهای کلیدی تغییرات اقلیمی که بر برخورداری از حقوق کودکان آثار منفی دارد عبارت‌اند از: فجایع آب و هوایی شدید و بلایای طبیعی، کمبود آب و فقدان امنیت غذایی، آلودگی هوا، بیماری‌های مسری و عفونی و تأثیرات بر سلامت و روان کودکان. شورا همچنین، در قطعنامه ۴۷/۲۴ مورخ ژوئیه ۲۰۲۱، تأثیر منفی تغییرات آب و هوایی بر حقوق افراد را به رسمیت شناخته و با یادآوری توافقنامه پاریس، بر این موضوع که تغییرات اقلیمی نگرانی مشترک بشریت است، تأکید کرده و اتخاذ اقدامات لازم از سوی طرف‌های توافقنامه را به‌منظور مقابله با تغییرات اقلیمی و رعایت، ارتقا و برآورده‌ساختن تعهدات حقوق بشری از جمله حق بر بهداشت، حقوق مردم بومی، مهاجران، کودکان، توان‌خواهان و افراد در شرایط آسیب‌پذیر (به‌ویژه افراد ساکن در کشورهای کمتر توسعه‌یافته و در شرایط نامساعد اقلیمی) ضروری می‌داند.^۲

1. <https://p.dw.com/p/3zGDY>
2. <https://undocs.org/A/HRC/RES/47/24/>

در همین راستا، کمیته حقوق کودک از دولت جزیره‌ای توالو^۱ درخواست کرد تا اطلاعاتی درباره اقدامات انجام‌شده برای به حداقل رساندن آثار تغییرات اقلیمی بر بهره‌مندی کودکان از حق‌هایشان، به‌ویژه اقداماتی که برای حمایت از کودکان در موارد اضطراری و تضمین دسترسی به آب آشامیدنی و خدمات بهداشتی صورت گرفته است، تهیه کند.^۲ با توجه به ارتباط میان حق‌های مختلف، کمیته حقوق کودک در نظریه عمومی شماره ۵^۳ رابطه روشنی را میان حق حیات و حق بر سلامت کودکان تعیین کرده است. به‌علاوه، در نظریه عمومی شماره ۱۵، کمیته با اشاره به تغییرات اقلیمی به ارتباط محیط‌زیست و مشخصاً آلودگی آن با سلامت کودکان توجه می‌کند. در این گزارش آمده است:

«در اقدامات مداخله‌ای زیست‌محیطی باید به تغییرات اقلیمی توجه داشت، زیرا این امر یکی از بزرگ‌ترین تهدیدها برای بهداشت و افزایش نابرابری‌های بهداشتی میان کودکان است. پس دولت‌ها باید سلامت کودکان را در مرکز راهبردهای اقلیمی خود قرار دهند.»^۴

1. Tuvalu

2. List of Issues to Be Taken up in Connection with the Consideration of the Initial Report of Tuvalu, CRC/C/TUV/Q/1 (8 February 2013), 10.

3. CteRC, General Comment No 5, CRC/C/GC/2003/5, (November 2013), 6.

4. CteRC, General Comment No 15, CRC/C/GC/15, (April 2013), 50.

نتیجه‌گیری

تغییرات اقلیمی پدیده‌ای است که امروزه دیگر ابعاد مختلف آن را همگان می‌توانند شاهد باشند و جایی برای انکار آن نیست. این پدیده به شکل‌های مختلف مانع از تحقق طیف وسیعی از حق‌های مورد اشاره در معاهدات مختلف حقوق بشری می‌شوند.

تأثیر تغییرات اقلیمی بر تحقق حقوق بشر را می‌توان هم در حق‌های فردی مشاهده کرد و هم در حق‌های جمعی. در حوزه حق‌های فردی، می‌توان این تأثیر را بیش از هر چیز در تحقق حق بر حیات، به‌مثابه بنیادین‌ترین حق بشری، و نیز حق بر آب، حق بر غذا و حق بر پناهندگی مشاهده کرد. عدم تحقق این حق‌ها در نتیجه این پدیده، البته محدود به فرد نخواهد ماند و می‌تواند کلیت یک منطقه را تحت تأثیر قرار دهد و در نهایت منجر به غیرقابل زیست شدن بسیاری از نقاط جهان گردد. علاوه بر این، حق‌های جمعی مانند حق تعیین سرنوشت، حق بر امنیت، حقوق مردمان بومی، حق بر توسعه، حقوق زنان و کودکان نیز در نتیجه تغییرات اقلیمی، صدمات عمیقی می‌بینند و تحققشان با موانع بی‌شماری مواجه خواهد شد.

در این زمینه، رویه‌های متعدد و مهمی نیز وجود دارد. اگرچه به برخی از حق‌ها مانند حقوق مردمان بومی، توجه بیشتری در رویه وجود داشته است و به برخی دیگر مانند حق تعیین سرنوشت، توجه چندانی نشده است. در کل می‌توان گفت حقوق فردی، بیش از حقوق جمعی مورد توجه دولت‌ها و محاکم بوده و به ارتباط این حق‌ها با تغییرات اقلیمی توجه بیشتری شده است. این عدم توازن، در کنفرانس گلاسکو نیز مشاهده شد. جایی که در سند نهایی آن، به جز حقوق مردمان بومی و حق بر سلامت، و اشاره کوچکی به پناهندگان، به حق‌های دیگر بشری توجهی نشد.

در این مقاله نشان داده شد که ارتباط میان تغییرات اقلیمی و حقوق بشر، بسیار جدی‌تر از آنی است که در نگاه اول به نظر می‌رسد. با توجه به اینکه امروزه، بسیاری از اصحاب قدرت در پی آن‌اند که اهمیت تغییرات اقلیمی و تأثیر آن در زیست روزمره انسان را اندک جلوه دهند، این مقاله نشان داد که تقریباً هیچ بعدی از حقوق بشر را نمی‌توان یافت که در نتیجه این پدیده، مورد تعرض قرار نگیرد و حق‌های اقشار مختلف انسان‌ها در نتیجه این بحران با جدیت مورد خدشه قرار خواهد گرفت.

با توجه به این مباحث، به نظر می‌رسد که رابطه میان تغییرات اقلیمی و حقوق بشر، شایسته توجه بسیار بیشتری است؛ زیرا دامنه تأثیر آن بر حق‌های بشری، فراتر از هر نوع حکومت و فارغ از هر نوع شرایط سیاسی است و از این نظر، امکان مقابله با آن نخواهد بود، مگر از طریق همکاری‌های گسترده بین‌المللی. از همین رو، ضرورت نگاه جدیدی به مسئله حقوق بشر و موانع تحقق آن در عصر حاضر، بسیار مشهود است.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

مقاله

۱. خوش‌منش، بهنوش و دیگران، بررسی پیامدهای تغییر اقلیم از دیدگاه حقوق بشر، علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره هفدهم، زمستان ۹۴، شماره ۴.
۲. قدوسی، مزده، جایگاه اصل توسعه پایدار در حقوق بین‌الملل بر تغییرات اقلیمی، مجله بین‌المللی پژوهش ملل، دوره پنجم، ۱۳۹۹، شماره ۵۲.
۳. مصفا، نسرین و حورا حسین‌زاده هاشمی، حمایت حقوق از پناهیجویان تغییرات اقلیمی، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، سال سیزدهم، تابستان ۱۳۹۵، شماره ۱.
۴. موسوی، سیدفضل‌الله و معصومه‌سادات میرمحمدی، تغییرات جوی: تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی، مجله حقوقی بین‌المللی، پاییز - زمستان ۱۳۹۲، شماره ۴۹.

ب) منابع انگلیسی

Books

5. Asuncion Lera St. Clair, Berit Kristoffersen, *Climate Change, Ethics and Human Security*, Cambridge University Press, 2010.
6. Benn, Suzanne & Boltone, Dianne, *Key Concepts in Corporate Social Responsibility*, Sage Publications, 2011.
7. De Schutter, Olivier, *International Human Rights Law Cases, Materials, Commentary*, Cambridge University Press, 2014.
8. Lyuba Zarsky, *Human Rights and the Environment, Conflict and Norms in a Globalizing World*, Earthscan. London, 2002.

Articles

9. Biermann and Boas, "preparing for a warmer world: toward a global governance system to protect climate refugee", *Global Environmental Politics*, P60
10. Jennifer A. Amriott, "Environment, Equality, and Indigenous Peoples' Land Rights in the Inter-American Human Rights System: Mayagna (Sumo) Indigenous Community of Awas Tingni v. Nicaragua", *Environmental Law* 32(2002).

11. Oliver A. Houck, Light from the Trees: "The Stories of Minors Oposa and the Russian Forest Cases", *Georgetown International Environmental Law Review* 19, no. 3 (2007): P326-330.
12. Robinson, "Climate Change and Justice", *Scottish Human Rights Journal* No.36.
13. Scanlon, Cassar and Nemes, "Water as a Human Right?"; Salman M.A. Salman and Siobhán McInerney-Lankford, *The Human Right to Water: Legal and Policy Dimensions* (Washington, D.C.: The World Bank, 2004).
14. S. James Anaya and Claudio Grossman, "The Case of Awas Tingni v. Nicaragua: A New Step in the International Law of Indigenous Peoples", *Arizona Journal of International and Comparative Law* 19, No. 1 (2002).
15. Trinidad, C., and A. Antonio "The Parallel Evolution of International Human Rights of Environmental protection and the Absence of Restrictions of the Exercise Ed Human Rights" *IDH* (Vol. 13, 1991), p.51.

Documents

16. A/HRC/48/L.18, The right to development.
17. A/HRC/48/L.22, on Human rights and indigenous peoples.
18. A/HRC/48/L.23/ Resolution on The human right to a clean, healthy and sustainable environment.
19. A/HRC/48/L.27, Mandate of the Special Rapporteur of Human Rights Council on the promotion and protection of human rights in the context of climate change.
20. Case Concerning East Timor (Portugal v Australia). (Judgment), (1995), ICJ Rep 90.
21. Climate and Development Knowledge Network, *Integrating Climate Change in the Post-2015 Development Agenda* (March 2014).
22. CteRC, General Comment No 15, CRC/C/GC/15, (April 2013).
23. CteRC, General Comment No 5, CRC/C/GC/2003/5, (November 2013).
24. General Comment 12: The Right to Self-Determination of Peoples (Art 1).
25. General Comment 23: The Rights of Minorities (Art 27), United Nations Human Rights Committee, 50th sess, UN Doc CCPR/C/21/Rev. 1/Add. 5 (1994), art. 25.
26. ILO Convention (No. 169), arts. 7(4), 15; The 2007 Declaration art. 29(2).

27. International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights.
28. Inuit Circumpolar Conference (Canada), "Inuit Circumpolar con (ICC), "http://inuitcircumpolar.com/index.php?auto_slide=&ID=16&Lang-und!D=¤t_slide_num=;CircumpolarConferenceID=16&lang=En&Parent_I,
29. IPCC: AR4: Climate Change 2007: Synthesis Report, p. 37.
30. Mavagna (Sumo) Awas Tingni Community v. Nicaragua, Inter-Am Comm HR, Case No. 11.140(2001).
31. Migration, Climate Change and the Environment, a report by IOM (2009), available at: http://www.iom.int/jahia/webdav/shared/shared/mainsite/policy_and_research/policy_documents/policy_brief.pdf.
32. National intelligence assessment on the national security implications of global climate change to 2030, statement for record of Dr Thomas Fingar, 24 June 2008, House permanent select committee on intelligence.
33. OHCHR, Report on the Relationship between Climate Change and Human Rights, 26, 42, 77.
34. Paris Agreement on Climate Change.
35. Report of the Special Rapporteur on the Situation of Human Rights and Fundamental Freedoms of Indigenous People, Rodolfo Stavenhagen, UN Doc A/HRC/4/32 (2007).
36. Report of the Special Rapporteur on the Right to Food, Jean Ziegler, UN Doc A/61/306 (2006).
37. Report of the Special Rapporteur on the Situation of Human Rights and Fundamental Freedoms of Indigenous People: Addendum: Mission to the Philippines, Rodolfo Stavenhagen, UN Doc E/CN.4/2003/90/Add.3 (2003), par. 63.
38. Report of Tuvalu, CRC/C/TUV/Q/1 (8 February 2013), 10.
39. Security Council 5663rd meeting, Security Council SC 9000 (2007).
40. Speech by NATO Secretary-General on security prospects in the high north, 2009. Available at: <http://www.nato.int/docu/speech/2009/s090129a.html/>
41. Sudan post conflict engagement assessment, a report by UNEP (Geneva, 2007).
42. UN GA Res 55/2 (2000), 11.

43. United Nations Development Programme (UNDP). "Human Development Report 2006: Beyond Scarcity: Power, Poverty and the Global Water Crisis," 4.
44. Universal Declaration of Human Rights.

Internet Websites

45. <http://www.ncseonline.org/>
46. <http://www.cred.be/>
47. <http://www.emdat.be/>
48. <http://www.icsu.org/>
49. <http://www.iom.int/cms/en/sites/iom/home.html/>
50. <http://www.multilateralfund.org/>